

شماره ترتیب	اصطلاح	محل استعمال	اسم مفعول	معنی لغوی
۹۰	قصر	اسقاط واسکان (ل) در فعلان	مقصور	کوتاه کرده
۹۱	قصیده	ایات متقا مربوط بمطلبی از مدح یا هجا و باحکایات حالی که از ۱۴ بیت متجاوز باشد		
۹۲	قطع	اسقاط حرف آخر واسکان ماقبل آخر مفاعلتن و تبدیل مکان (ت) از ششم به دوم پدا شدن متفاعل و بجای آن فعلا تن نهادن	مقطوع	بریده شده
۹۳	قطع و اسباغ	زیادت حرفی بر مقطوع	مقطوع مسبغ	
۹۴	قطعه	دو، تا چند بیت که مصرع اول و دوم بیت اول ممکن است فاقیه باشد ممکن است نباشد		
۹۵	قطف	اسقاط حرف پنجم از مفاعلتن	مقطوف	چیده شده
۹۶	قلب	نام بحری از بحر تازه تر (ك)		چشمه
۹۷	کامل	بحری است از بحر مخصوصه عرب		تمام
۹۸	کبیر	بحری است از بحر تازه		بزرگ
۹۹	کسف	اسقاط حرف آخر مفعولات	مکسوف	پاشنه بریده
۱۰۰	کشف	اسقاط حرف آخر مفعولات	مکشوف	برهنه ادا
۱۰۱	کف	اسقاط حرف آخر و تحریک ساکن ماقبل آخر (م)	مکفوف	حرفی از آن کم شده
۱۰۲	مبهم	نام بحری است از بحر تازه تر		(مقابل واضح)
۱۰۳	متدارک	اسباب و اواناد آن بهم نزدیک است		هریک دیگری را درک کند
۱۰۴	متقارب	مانند بالا		پی در پی

شماره ترتیب	اصطلاح	محل استعمال	اسم مفعول	معنی لغوی
۱۰۵	مجث	نام بحری از بحور مشترکه از جزء دوم خفیف فک شده		از بیخ کنده و جای دیگر نشانده شده
۱۰۶	مجحوف مسبغ	مجحوف	یا در زیاد شده	
۱۰۷	مجزوه	مثنی را که یک جزش را کم کنند سدس مجزوه، و اگر از سدسی یک جزء کم کنند مربع مجزوه خوانند		
۱۰۸	مجزوه مرفل	مجزوه زیاد شده		جزء (مقابل کل)
۱۰۹	مخبون مذل	زیادت ساکنی قبل از ساکن آخر مخبون		کناره شکسته دامن فرو هشته
۱۱۰	مخبون مذل	اجتماع خیل و اذات		تپاه شده دامن فرو هشته
۱۱۱	مخس	شعری است که چهار مصرع یک قافیه و قافیه پنجم عمومی باشد		
۱۱۲	مدید	بحری است از بحور مخصوصه عرب		کشیده شده
۱۱۳	مراقبت	مراقبت در اینکه از دو جزء پهلوی هم یکی اگر حذف شود دیگری بماند و اگر یکی بماند دیگری حذف شود		نگهبانی
۱۱۴	مرثبه	اشعار مربوط به سوگواری و تپاه		سوگواری
۱۱۵	مرفل مجنون	اجتماع ترفیل و خبن		
۱۱۶	مرفل مطوی	اجتماع ترفیل و طوی		
۱۱۷	مستز	نام بحری است از بحور تازه تر	ستر	یوشیدن
۱۱۸	مستعمل	بحری است از بحور تازه تر	عمل	حکار
۱۱۹	مسغ	اسقاط دو سبب آخر و اسکان حرف آخر فاعلاتین	مسوخ	انسان بصورت حیوان درآمد
۱۲۰	مسقط	شعری که پنج مصرع یک قافیه و مصرع ششم قافیه عمومی باشد	مساط	صف (رده)
۱۲۱	مشاکل بالآخر	بحری است از بحور مخصوصه پارسی که بعد از سایر بحور معموله پیدا شده	شکل	نمود